

بررسی وضعیت بازار کار طی سالهای اخیر

ناهید مقدم تبریزی^۱

چکیده

نرخ بالای رشد جمعیت در دوره ۶۵-۱۳۵۵ ساختار جمعیتی کشور را متحول کرد و موجی از جمعیت در هرم سنی به گونه‌ای شکل گرفت که در هر دوره بخش‌های مختلفی از جامعه را تحت تأثیر موج‌گونه خود قرار داده است. اکنون با گذشت بیش از دو دهه از این پدیده، موج جمعیتی که در دوره‌های قبل بخش‌های آموزشی را تحت تأثیر خود قرار داده و در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی تحولات غیرمنتظره‌ای ایجاد نموده بودند، در سنینی قرار گرفته‌اند که نیروی کار خود را عرضه می‌نمایند در حال حاضر این عرضه با توجه به وجود محدودیت‌هایی که زمینه تقاضا برای کار وجود دارد، مقوله بیکاری را به عنوان یکی از معضلات مهم اقتصادی کشور مطرح می‌نماید.

در گزارش حاضر با بررسی طرح‌های آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار مرکز آمار ایران، ویژگی‌های بازار کار ایران از جنبه‌های مختلف نظیر نرخ مشارکت، میزان بیکاری، توزیع نسبی شاغلان در بخش‌های مختلف ... مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- رییس دایره امور اجتماعی اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی

سپس با توجه به عملکرد مراکز خدمات اشتغال و کارایی‌های خصوصی و تجزیه و تحلیل آنها به یافته‌هایی در خصوص علل هماهنگ نبودن فرصت‌های شغلی اعلام شده توسط این مراکز و جویندگان کار و به کار گمارده‌شدگان اشاره شده است. علل پایین بودن بهره‌وری نیروی کار، بررسی سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه سوم، جایگاه اشتغال در برنامه چهارم از دیگر موارد مورد بررسی در این گزارش می‌باشد. در انتهای گزارش با توجه به اینکه چالش‌های بازار کار در ایران از ابعاد عرضه و تقاضای نیروی کار و عوامل موثر بر آن قابل بررسی می‌باشد، پیشنهادهایی در جهت رفع یا تعدیل این چالش‌ها ارائه گردیده است.

مقدمه

اهمیت موضوع بیکاری و آثار و تبعات اقتصادی - اجتماعی آن سبب شده است که سیاست‌های اشتغال و مبارزه با بیکاری، در اکثر کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه در کانون توجه برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی آنها قرار گیرد. در ایران نیز مقوله بیکاری در شرایط کنونی به یکی از مهمترین چالش‌های فراروی دولت مبدل گردیده است. این معضل از یک سو به دلیل ساختار جمعیتی جوان و عرضه فراوان نیروی کار و از سوی دیگر ناشی از رشد کمتر تقاضا برای نیروی کار (به دلایل مختلف نظیر مشکلات ساختاری در زمینه تولید، سرمایه‌گذاری ناکافی و...) در جامعه تشدید گردیده است. از آنجا که بیکاری فعلی کشور لزوماً به نوسانات فصلی و دوره‌ای اقتصاد مرتبط نبوده و جنبه ساختاری دارد، لذا تمهیدات و راه‌حلهای موقت اگر بدون توجه به اصلاحات ساختاری اعمال گردد، جز اینکه این معضل را در آینده تشدید نماید نتیجه دیگری نخواهد داشت.

بررسی اجمالی وضعیت اشتغال و بیکاری در طی دوره ۸۳-۱۳۷۶

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به نیروی کار در ایران معمولاً با انجام سرشماری‌های جمعیت همراه بوده است. این سرشماری‌ها از سال ۱۳۳۵ به صورت هر ده سال یکبار

انجام می‌گیرد، البته در بین فواصل سرشماری، طرحهای آمارگیری نمونه‌ای جمعیت همراه با خصوصیات آن از جمله اشتغال و بیکاری انجام گرفته است. جامعه آماری این طرح تا سال ۱۳۸۰ شامل خانوارهای معمولی ساکن بوده، لیکن از سال ۱۳۸۱ خانوارهای دسته‌جمعی در خانوارهای معمولی ساکن در نظر گرفته شده است. در این بخش به برخی نتایج به دست آمده از آمارگیری‌های نمونه‌ای مرکز آمار ایران طی دوره ۸۳-۱۳۷۶ اشاره می‌گردد. شایان ذکر است در سال ۱۳۸۳ آخرین نمونه‌گیری مربوط به سه ماهه سوم سال است.

بررسی برخی یافته‌های طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار طی دوره (۸۳-۱۳۷۶)

- بررسی نتایج آمارگیری در سالهای ۸۳-۱۳۷۶ حاکی از این است که سهم جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ از ۵۶/۴۶ درصد به ۶۸/۷ درصد کل جمعیت رسیده است. افزایش نسبت جمعیت بالقوه فعال که از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز گردیده و بعد از سال ۱۳۷۶ نیز تداوم داشته، ناشی از نرخ رشد بالای جمعیت در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و تغییر ساختمان هرم نسبی جمعیت کشور در سالهای اخیر بوده است.

نسبت وابستگی^۱ طی سالهای فوق از ۷۷/۱ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۴۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش یافته است. این امر تا حدودی می‌تواند نمایانگر کاهش نرخ رشد جمعیت کشور در سالهای اخیر باشد.

۱- $\frac{\text{جمعیت ۶۵ سال به بالا} + \text{جمعیت کمتر از ۱۵ سال}}{\text{جمعیت (۶۴-۱۵) ساله}} \times ۱۰۰$ - نسبت وابستگی

جدول (۱) - توزیع نسبی جمعیت بر حسب گروه‌های عمده سنی

در سالهای ۸۲-۱۳۷۶

بار تکفل خالص	نسبت وابستگی	توزیع نسبی جمعیت (درصد)			سال
		۶۵ ساله و بیشتر	۶۴-۱۵ ساله	۱۴-۰ ساله	
۳/۳	۷۷/۱	۴/۲	۵۶/۴	۳۹/۴	۱۳۷۶
۳/۱	۷۲/۶	۴/۴	۵۸/۰	۳۷/۶	۱۳۷۷
۲/۹	۶۴/۸۳	۴/۸	۶۰/۷	۳۴/۵	۱۳۷۸
۲/۹	۶۰/۵	۴/۹	۶۲/۵	۳۲/۶	۱۳۷۹
۲/۸	۵۵/۸	۵/۱	۶۴/۲	۳۰/۷	۱۳۸۰
۲/۶	۵۰/۵	۵/۲	۶۶/۵	۲۸/۳	۱۳۸۱
۲/۶	۴۸/۲	۵/۰	۶۷/۵	۲۷/۵	۱۳۸۲
۲/۴	۴۵/۴	۵/۳	۶۸/۷	۲۶	*۱۳۸۳

* از نتایج آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار - پاییز ۱۳۸۳ استفاده شده است

ماخذ مرکز آمار ایران

بار تکفل خالص^۱ از ۳/۳ نفر در سال ۱۳۷۶ به ۲/۴ نفر در سال ۱۳۸۳ کاهش

یافته است.

- براساس نتایج به دست آمده از نمونه گیری‌های سابق‌الذکر نرخ مشارکت^۲ در جمعیت ۱۰ سال و بیشتر از ۳۴/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۳۸/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. افزایش نرخ مشارکت طی سالهای مزبور ناشی از افزایش نسبت مذکور در بین زنان و مردان می‌باشد. همچنین بررسی میزان فعالیت

$$۱- \text{جمعیت شاغل} - \text{جمعیت کل کشور} \times ۱۰۰ = \text{بار تکفل خالص} / \text{جمعیت شاغل}$$

$$۲- \text{جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ده ساله و بیشتر} \times ۱۰۰ = \text{نرخ مشارکت} / \text{کل جمعیت ده ساله و بیشتر}$$

برحسب مناطق شهری و روستایی نیز حاکی از این است که نرخ مشارکت هم در مناطق شهری و هم روستایی افزایش داشته است ولی افزایش در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده است. از دلایل عمده افزایش نرخ مشارکت که از اوایل دهه ۶۰ آغاز گردیده و هنوز تداوم دارد، رشد بالای جمعیت در سالهای گذشته بوده که موجب افزایش عرضه نیروی کار در کشور گردیده است.

- میزان نرخ بیکاری کل کشور از ۱۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۰/۳ درصد در سه ماهه سوم سال ۱۳۸۳ کاهش داشته است. بررسی جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که بیکاری در مناطق شهری از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۲/۳ درصد در سه ماهه سوم سال ۱۳۸۳ کاهش یافته است درحالی که همین نرخ درخصوص مناطق روستایی از ۱۳/۷ درصد به ۶/۸ درصد کاهش داشته است. افزایش میزان بیکاری در مناطق شهری و کاهش آن در مناطق روستایی به شرایط جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت این دو جامعه بستگی دارد و در این میان مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها نقش قابل توجهی دارد. میزان بیکاری در بین مردان از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۹ درصد در سه ماهه سوم سال ۱۳۸۳ و در بین زنان از ۱۴/۹ درصد به ۱۷/۸ درصد رسیده است. شایان ذکر است افزایش نرخ بیکاری زنان عمدتاً ناشی از افزایش این نرخ در مناطق شهری بوده است به طوری که نرخ مذکور از ۱۸/۲ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۲۷/۹ درصد در سه ماهه سوم سال ۱۳۸۳ افزایش داشته است. درحالی که در مناطق روستایی از ۱۱/۶ درصد به ۶/۶ درصد در همان دوره کاهش داشته است. براساس سرشماری‌های انجام گرفته نرخ مشارکت و سهم شاغلان زن از کل شاغلان به ترتیب از ۸/۱ درصد و ۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۹/۱ و ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است (این نسبت‌ها براساس

آمارگیری آبان ماه سال ۱۳۸۳ مرکز آمار ایران به ۱۱/۴ و ۱۳/۲ درصد رسیده است). اختلاف قابل توجه نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ بیکاری و سهم شاغلان بین زنان و مردان در کمتر کشوری مشاهده می‌شود و تداوم این اختلاف در مورد ایران می‌تواند زمینه ایجاد چالشهای جدی از نظر اقتصادی و اجتماعی را در کشور فراهم نماید. افزایش نرخ مشارکت زنان می‌تواند نقش بسیار مهمی در افزایش رفاه خانوار، کاهش زاد و ولد، افزایش ظرفیت تولید و به‌طور کلی بهبود روند توسعه کشور داشته باشد. البته اگر چه نرخ مشارکت نیروی کار زنان در سالهای اخیر پایین بوده است ولی پیش‌بینی می‌شود که با افزایش نقش زنان در مراکز آموزش عالی و تغییر نگرش جامعه نسبت به کار زنان در بیرون از منزل و نیاز به کار زنان به منظور بهبود وضع معیشتی خانوارها، این نرخ در سالهای آتی رشد قابل توجهی داشته باشد. بدیهی است این افزایش در نرخ مشارکت نیروی کار زنان با نگرانی‌هایی نیز مواجه است که مهم‌ترین نکته آن است که اقتصاد کشور با ساختار سنتی تولید و غیرقابل انعطاف بودن آن، توانایی لازم برای تغییر تکنیک تولید و ایجاد شرایط تولیدی مناسب به منظور جذب بیشتر زنان در فرآیند تولید را نداشته است، که نتیجه این فرآیند افزایش قابل توجه در نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان می‌تواند باشد.

- در سال ۱۳۷۶، از جمعیت شاغل ۲۵/۲ درصد در بخش کشاورزی، ۳۱/۶ درصد در بخش صنعت و ۴۳/۲ درصد در بخش خدمات به فعالیت مشغول بوده‌اند که در سه ماهه سوم سال ۱۳۸۳ از سهم بخشهای کشاورزی و صنعت تا حدودی کاسته و به سهم بخش خدمات افزوده گردیده است.

جدول شماره (۲) - نرخ مشارکت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر جامعه نمونه برحسب جنس و مناطق شهری و روستایی در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲

شرح	کل	نقاط شهری	نقاط روستایی
مرد و زن	۱۳۷۶	۲۴/۷	۲۶/۴
	۱۳۷۷	۲۵/۸	۲۸/۱
	۱۳۷۸	۲۷/۰	۲۹/۲
	۱۳۷۹	۲۷/۲	۲۹/۳
	۱۳۸۰	۲۶/۹	۲۸/۶
	۱۳۸۱	۲۷/۸	۴۰/۰
	۱۳۸۲	۲۷/۲	۲۸/۹
	۱۳۸۳	۲۸/۶	۴۱/۶
مرد	۱۳۷۶	۵۹/۲	۶۱/۵
	۱۳۷۷	۵۹/۷	۶۲/۰
	۱۳۷۸	۶۱/۸	۶۴/۰
	۱۳۷۹	۶۲/۱	۶۴/۲
	۱۳۸۰	۶۱/۸	۶۳/۴
	۱۳۸۱	۶۲/۹	۶۴/۸
	۱۳۸۲	۶۲/۸	۶۴/۸
	۱۳۸۳	۶۴/۹	۶۸/۳
زن	۱۳۷۶	۹/۹	۱۱/۸
	۱۳۷۷	۱۱/۵	۱۴/۶
	۱۳۷۸	۱۱/۷	۱۴/۶
	۱۳۷۹	۱۱/۹	۱۴/۷
	۱۳۸۰	۱۱/۷	۱۴/۲
	۱۳۸۱	۱۱/۶	۱۴/۲
	۱۳۸۲	۱۰/۵	۱۲/۳
	۱۳۸۳	۱۱/۴	۱۴/۹

ماخذ: مرکز آمار ایران

ارقام سال ۱۳۸۳ مربوط به سه ماهه سوم می باشد.

جدول شماره (۳) - میزان بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر جامعه نمونه بر حسب جنس و مناطق شهری و روستایی طی دوره ۸۳-۱۳۷۶

شماره	سال	مناطق شهری	مناطق روستایی
مرد و زن	۱۳۷۶	۱۳/۱	۱۳/۷
	۱۳۷۷	۱۲/۴	۱۱/۷
	۱۳۷۸	۱۳/۵	۱۳
	۱۳۷۹	۱۴/۲	۱۳/۴
	۱۳۸۰	۱۴/۷	۱۴/۲
	۱۳۸۱	۱۲/۲	۱۱/۱
	۱۳۸۲	۱۱/۳	۹/۹
	۱۳۸۳	۱۰/۳	۶/۸
مرد	۱۳۷۶	۱۲/۸	۱۴
	۱۳۷۷	۱۲/۳	۱۲/۴
	۱۳۷۸	۱۳/۵	۱۴/۲
	۱۳۷۹	۱۳/۸	۱۴/۲
	۱۳۸۰	۱۲/۹	۱۴/۸
	۱۳۸۱	۱۰/۹	۱۱
	۱۳۸۲	۹/۸	۹/۸
	۱۳۸۳	۹/۰	۶/۸
زن	۱۳۷۶	۱۴/۹	۱۱/۶
	۱۳۷۷	۱۳/۲	۸/۴
	۱۳۷۸	۱۳/۶	۷/۸
	۱۳۷۹	۱۶/۴	۹/۹
	۱۳۸۰	۱۸/۹	۱۱/۷
	۱۳۸۱	۱۹/۵	۱۱/۳
	۱۳۸۲	۲۰/۵	۱۰/۲
	۱۳۸۳	۱۷/۸	۶/۶

ماخذ: مرکز آمار ایران

ارقام مربوط به سال ۱۳۸۳ مربوط به سه ماهه سوم سال می باشد

جدول شماره (۴) - توزیع نسبی جمعیت شاغل بر حسب بخشهای عمده فعالیت اقتصادی

طی دوره (۸۲-۱۳۷۹)

بخشهای عمده فعالیت	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کشاورزی	۲۵/۲	۲۷/۱	۲۷/۴	۲۶/۰	۲۵/۸	۲۴/۴	۲۰/۹	۲۲/۹
صنعت	۳۱/۶	۳۲/۰	۳۰/۶	۳۱/۵	۳۰/۶	۲۹/۶	۳۱/۰	۳۰/۱
خدمات	۴۲/۲	۴۰/۹	۴۲/۰	۴۲/۵	۴۳/۶	۴۶/۰	۴۸/۱	۴۷/۰

ماخذ: مرکز آمار ایران

ارقام سال ۱۳۸۳ مربوط به سه ماهه سوم می باشد.

مروری بر عملکرد مراکز خدمات اشتغال دولتی و کاریابی های خصوصی طی

دوره (۸۳-۱۳۷۸)

وجود اطلاعات دقیق و بهنگام به عنوان یکی از مهمترین نیازهای برنامه ریزی و تصمیم گیری موثر بازار کار از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. بدین دلیل داشتن اطلاعات در زمینه عرضه و تقاضای نیروی کار به عنوان دو مؤلفه اصلی این بازار از اصلی ترین نیازهای اطلاعاتی به شمار می آید. به طور کلی برای سازمانها و افرادی که در عملکرد بازار کار تاثیرگذار هستند، وجود اطلاعات مناسب، لازمه سیاستهای متخذه توسط آنها بوده و مبنایی برای ارزیابی تاثیر این سیاستها فراهم می آورد.

در حال حاضر فقدان اطلاعات صحیحی از وضعیت عرضه نیروی کار و عدم اطلاع از ویژگی های اشتغال ایجاد شده اعم از مزدگیری و خود اشتغالی در گروههای عمده شغلی و از طرف دیگر عدم وجود آمار و اطلاعات دقیق در خصوص وضعیت بازار کار کشور موجب ناهماهنگی بین وضعیت آموزش و نیازهای بازار کار گردیده است.

مراکز کاریابی از یک سو از طریق پیدا کردن بهترین فرصت خالی شغلی برای فرد بیکار و از سوی دیگر از طریق پیدا کردن نیروی کار مورد نیاز کارفرمایان به لحاظ خصوصیات مورد درخواست آنها، نقش واسطه ای مهمی در بازار کار می‌توانند داشته باشند.

مجموعه آماري که در خصوص وضعیت بازار کار عمدتاً به صورت شش ماهه و سالانه توسط وزارت کار و امور اجتماعی منتشر می‌گردد، دربرگیرنده اطلاعات گردآوری شده از مراکز کاریابی (مراکز خدمات اشتغال دولتی و مراکز مشاوره شغلی و کاریابی‌های غیردولتی) می‌باشد که می‌تواند نگرشی کلی از کیفیت و ویژگی‌های ثبت‌نام شدگان در مراکز کاریابی (به‌عنوان بخشی از عرضه نیروی کار کشور) و فرصت‌های شغلی اعلام شده به این مراکز (به‌عنوان بخشی از تقاضای نیروی کار کشور) ارائه دهد. تعداد به‌کارگمارده شدگان نیز می‌تواند شاخصی برای سنجش نحوه عملکرد این مراکز کاریابی باشد.

برخی یافته‌ها درباره عملکرد مراکز خدمات اشتغال دولتی و کاریابی‌های خصوصی

- تعداد جویندگان کار که در مراکز کاریابی ثبت نام نموده‌اند از ۳۸۳/۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به ۱۳۵۳/۴ و ۱۰۴۹/۶ هزار نفر در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ رسید. در حالی که در سال ۱۳۸۳ با کاهش ۲۶/۲ درصدی در تعداد جویندگان کار ثبت نام شده نسبت به سال قبل این تعداد به ۷۷۴/۲ هزار نفر تقلیل یافت. با توجه به اینکه در سال ۱۳۸۲ ارقام مربوط به عملکرد مراکز خدمات و اشتغال دولتی و کاریابی‌های غیردولتی وزارت کار و امور اجتماعی، صرفاً عملکرد طبیعی این مراکز بوده و تحت تأثیر سیاستهای حمایتی (نظیر ایجاد ۳۰۰ هزار فرصت شغلی در سال ۱۳۸۱ که ارقام

عملکرد را در سال مزبور بالا نشان داد) نبوده است، لذا به نظر می‌رسد کاهش قابل توجه جویندگان کار در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال قبل عمدتاً ناشی از عدم استقبال جویندگان کار به دلایل مختلف باشد.

- تعداد فرصت‌های شغلی اعلام شده از سوی کارفرمایان در طی دوره (۸۳-۱۳۷۸) از ۵۸/۳ هزار مورد در سال ۱۳۷۸ به ۲۱۲/۵ هزار مورد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. شایان ذکر است تعداد فرصت‌های شغلی اعلام شده در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال قبل افزایش ۱/۸ درصدی داشت و ۹۱ درصد از این فرصت‌های شغلی ایجاد شده مربوط به بخش خصوصی می‌باشد.

- تعداد به‌کارگماره‌شدگان در طی دوره مورد بررسی از ۴۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به ۱۲۸/۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت که در مقایسه با سال ۱۳۸۲ نشان دهنده افزایش ۴/۸ درصدی در تعداد به‌کارگماره‌شدگان می‌باشد. شایان ذکر است بیشترین سهم به‌کارگماره‌شدگان در طی این سالها عمدتاً مربوط به گروه زیر دیپلم می‌باشد که این امر می‌تواند ناشی از نیاز کارفرمایان به کارگران ساده و یا کارگران با تحصیلات زیردیپلم ولی دارای مهارت نسبی می‌باشد.

- نسبت فرصت‌های شغلی اعلام شده به جویندگان کار و نیز نسبت به‌کارگماره‌شدگان به جویندگان کار از ۱۵/۲ و ۱۰/۹ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۲۷/۵ و ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. علی‌رغم افزایش نسبت‌های فوق که مویده بهبود عملکرد مراکز خدمات و اشتغال دولتی و کاریابی‌های غیردولتی در طی دوره مزبور می‌باشد، بررسی نسبت‌های مزبور نمایانگر این است که در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳ فقط ۷۱/۷ و ۶۰/۴ درصد از فرصت‌های شغلی اعلام شده توسط متقاضیان تصاحب گردیده و ۲۸/۳ و ۳۹/۶ درصد دیگر به دلایل مختلف مانند اختصاص داشتن بعضی مشاغل منحصراً به مردان، نداشتن سابقه کار لازم، نداشتن مهارت یا مدارک

آموزش فنی و حرفه‌ای، نداشتن مدرک تحصیلی مورد نیاز، متفاوت بودن محل فرصت شغلی اعلام شده با محل سکونت جوینده کار، پایین بودن سطح پرداختها و ... بلائصدی مانده است.

بهره‌وری و شاخصهای آن

بهره‌وری در مفهوم کلی به معنای نسبت ستاده‌ها به داده‌هاست. به بیان دیگر بهره‌وری به معنی متوسط تولید به ازای هر واحد از کل نهاده‌هاست، به طوری که اگر متوسط تولید به ازای هر واحد از نهاده‌ها افزایش یابد، به مفهوم افزایش بهره‌وری و عکس آن به معنای تنزل بهره‌وری می‌باشد و با توجه به نوع نهاده‌ای که در فرآیند تولید به کار می‌رود می‌توان انواع شاخص‌های بهره‌وری را تعریف کرد.

به طور کلی، شاخص‌های بهره‌وری به دو دسته شاخص‌های بهره‌وری جزئی و شاخص‌های بهره‌وری کل عوامل تولید تقسیم می‌شوند. در شاخص‌های بهره‌وری جزئی ارتباط ستاده با یک نهاده مورد توجه قرار می‌گیرد در حالی که در شاخص‌های بهره‌وری کل عوامل تولید، ارتباط ستاده با کل نهاده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص‌های بهره‌وری جزئی از تقسیم ارزش افزوده بر یک مقدار نهاده معین (نیروی کار یا سرمایه) به دست می‌آید و به منظور خارج ساختن تورم، لازم است ارزش افزوده به قیمت ثابت سال پایه مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که گزارش حاضر به بررسی وضعیت بازار کار می‌پردازد، لذا در این بخش فقط به بررسی شاخص بهره‌وری نیروی کار پرداخته می‌شود.

شاخص بهره‌وری نیروی کار

برای اندازه‌گیری بهره‌وری نیروی کار در سطح یک بخش از اقتصاد می‌توان از نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلان استفاده کرد. در صورتی که علاوه بر اطلاع از تعداد

شاغلان، اطلاع از ساعات کار انجام شده یا ساعات کار پرداخت شده نیز موجود باشد، می توان در مخرج کسر شاخص به جای تعداد شاغلان از هر یک از این اطلاعات استفاده کرد و در نتیجه بهره‌وری نیروی کار با دقت بیشتری به دست می‌آید.

بهره‌وری نیروی کار رایج‌ترین مقیاسی است که در مورد یک اقتصاد، صنعت و یا یک واحد تولیدی به کار برده می‌شود. از دلایل این امر می‌توان به سهم نسبتاً زیاد هزینه نیروی کار در ارزش بسیاری از فرآورده‌ها و نیز موجود بودن اطلاعات مربوط به نهاده نیروی کار در مقایسه با آمار و اطلاعات موجود مربوط به نهاده‌های دیگر مانند سرمایه اشاره نمود.

شایان ذکر است تغییرات بهره‌وری نیروی کار به دلایل مختلفی نظیر سطح کیفی نیروی کار به واسطه آموزش، کسب تجربه و تخصص در کار، تغییر شرایط کار، مهارت در مدیریت و عوامل دیگر می‌باشد.

در جدول زیر برای اندازه‌گیری بهره‌وری نیروی کار در یک بخش از اقتصاد از نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلان آن بخش و در سطح کل اقتصاد نیز از نسبت تولید ناخالص داخلی به تعداد کل شاغلان، بهره‌وری نیروی کار محاسبه گردیده است:

جدول شماره (۵) برآورد میزان بهره‌وری نیروی کار برحسب بخشهای اقتصادی

۱۳۷۶=۱۰۰

سال	صنایع و معادن			کشاورزی			خدمات		
	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	شاغلان (نفر)	بهره‌وری (هزارریال/نفر)	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	شاغلان (نفر)	بهره‌وری (هزارریال/نفر)	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	شاغلان (نفر)	بهره‌وری (هزارریال/نفر)
۱۳۷۹	۶۷۲۲۷	۵۰۸۰۲۲۰	۱۳۲۲۳	۴۵۷۷۴/۲	۳۶۵۶۹۹۶	۱۲۵۱۶/۹	۱۶۷۷۳۷/۳	۷۷۱۱۵۱۳	۲۱۷۵۱/۵
۱۳۸۰	۷۴۰۷۹	۵۲۳۸۸۶۴	۱۳۸۷۵	۴۵۴۶۲/۵	۳۶۷۰۴۰۸	۱۲۳۸۶/۲	۱۷۵۷۹۹/۲	۷۹۰۹۱۵۹	۲۲۲۲۷/۳
۱۳۸۱	۸۳۱۶۲	۵۶۳۸۹۵۰	۱۴۷۴۷/۸	۵۰۶۶۱/۸	۳۶۹۲۴۰۷	۱۳۷۲۰/۵	۱۸۴۷۹۷/۹	۸۱۶۷۹۱۵	۲۲۶۲۴/۸
۱۳۸۲	۸۹۳۳۹	۵۹۲۰۵۱۹	۱۵۰۸۹/۷	۵۲۳۴۵	۳۷۱۳۳۶۷	۱۴۳۶۵/۷	۱۹۶۵۵۹	۸۵۱۸۷۲۳	۲۳۰۷۳/۷
۱۳۸۳	۹۶۵۷۰	۶۰۸۳۳۷۳	۱۵۸۷۴/۴	۵۴۵۱۸	۳۷۳۳۷۵۳	۱۴۶۰۱/۴	۲۰۵۹۱۳	۸۹۶۰۴۸۶	۲۳۹۸۰/۱

مأخذ: آمار ارزش افزوده از برآوردهای بانک مرکزی و آمار شاغلان از برآوردهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استفاده شده است.

جدول شماره (۶) برآورد میزان بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد در طی دوره ۸۳-۱۳۷۹

۱۳۷۶=۱۰۰

۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۳۹۷۳۰۴	۳۷۹۰۰۹	۳۵۵۲۱۸/۸	۳۳۰۶۲۳/۶	۳۲۰۰۶۸/۹	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (میلیارد ریال)
۱۸۹۰۶۰۰۰	۱۸۱۵۲۶۰۹	۱۷۴۹۹۲۷۲	۱۶۹۱۸۴۳۱	۱۶۴۴۸۷۲۹	تعداد شاغلان ^(۱) (نفر)
۲۱۰۱۴/۷	۲۰۸۷۹	۲۰۲۹۹	۱۹۵۴۲/۲	۱۹۴۵۸/۵	میزان بهره‌وری نیروی کار (هزارریال/نفر)
۰/۶۵	۲/۸	۳/۹	۰/۴	۲/۱	درصد تغییرات

(۱) آمار تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه از برآوردهای بانک مرکزی استفاده شده است و آمار مربوط به سال ۱۳۸۳ مقدماتی است.

(۲) تعداد شاغلان از برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استفاده شده است.

مقایسه میزان بهره‌وری نیروی کار به تفکیک بخشهای اقتصادی و نیز بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد در طی سالهای ۸۳-۱۳۷۹ حاکی از روند رو به افزایش بهره‌وری نیروی کار در بخشهای صنعت و کشاورزی و خدمات می‌باشد. همچنین بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد نیز طی پنج سال ۸۳-۱۳۷۹ از روند افزایشی برخوردار بوده است. چنانچه بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد در سال ۱۳۷۵ با سال ۱۳۸۳ مورد مقایسه قرار گیرد، ملاحظه می‌گردد در سال ۱۳۷۵ بهره‌وری نیروی کار برابر ۱۹۰۳۵/۸ هزار ریال بوده است که به ۲۱۰۱۴/۷ هزار ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. (رشد متوسط سالیانه ۱/۲۴ درصد طی دوره (۸۳-۱۳۷۵) به این ترتیب مقایسه ارقام فوق نمایانگر رشد بهره‌وری نیروی کار طی دوره مزبور می‌باشد.

جایگاه بهره‌وری در برنامه‌های توسعه

درباره مقوله بهره‌وری در تبصره ۳۵ قانون برنامه دوم توسعه به این مسئله اشاره گردیده که: جهت افزایش بهره‌وری نظام اداری، بهبود سیستم‌ها و روش‌های کار، استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و افزایش مهارت‌های مدیران کشور، دستگاههای اجرایی باید بخشی از اعتبارات خود را به توسعه و بهبود مدیریت و افزایش بهره‌وری اختصاص دهند. میزان این اعتبارات همه ساله توسط دولت در لایحه بودجه پیش‌بینی خواهد شد. همچنین به این مورد اشاره گردیده بود که سازمان برنامه و بودجه با همکاری دستگاههای ذی‌ربط مکلف است شاخص اندازه‌گیری بهره‌وری فعالیت‌های بخشها و طرحهای پیش‌بینی شده در برنامه دوم را به صورت استاندارد در سطح کشور تهیه و تدوین نماید.

با توجه به اینکه در تدوین برنامه چهارم توسعه، افزایش سریع بهره‌وری مورد تأکید خاص قرار گرفته است، لذا شناسایی و رفع موانع افزایش بهره‌وری از اهمیت خاصی برخوردار است.

بررسی سیاستهای اشتغال‌زایی در برنامه سوم

برنامه سوم توسعه در شرایطی تدوین و به تصویب رسید که نرخ بیکاری افزایش یافته بود. لذا در این برنامه ضرورتها و چالشهای اساسی مانند جوانی جمعیت، افزایش مشارکت اجتماعی و ایجاد اشتغال برای کاستن از نرخ بیکاری مورد توجه قرار گرفته است. فصل ششم از حوزه‌های فرابخشی قانون برنامه سوم به طور ویژه به سیاستهای اشتغال اختصاص یافته است. این فصل شامل تعدادی ماده قانونی بوده و عمدتاً به سیاستهای فعال بازار کار که به طور مستقیم بازار کار را مدنظر قرار داده و با فعال کردن طرف تقاضای بازار کار و اعمال سیاستهای کنترل طرف عرضه، درصدد کاهش بیکاری در طول برنامه سوم توسعه بوده است، اشاره دارد.

شایان ذکر است هدفهای کمی برنامه سوم در زمینه اشتغال، ایجاد به طور متوسط سالیانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی جدید و کاهش نرخ بیکاری از ۱۶ درصد به ۱۲/۶ درصد در پایان برنامه می باشد.

در برنامه سوم برای نخستین بار مقوله کاهش هزینه‌های نیروی کار از طریق تخفیف حق بیمه سهم کارفرما و کاهش مالیات کارفرمایان و همچنین پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به منظور استخدام نیروی کار مورد توجه قرار گرفت (مواد ۴۹، ۵۴، ۵۵ و ۵۶ قانون برنامه سوم).

همچنین یکی دیگر از سیاستهای برنامه سوم توسعه در حوزه اشتغال، اخراج نیروی کار خارجی غیرمجاز از کشور می باشد تا فرصت‌های شغلی بیشتری برای نیروی کار ایرانی ایجاد گردد (ماده ۴۸).^۱

۱- براساس آمار ارائه شده از اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در ابتدای سال ۱۳۸۳ بیش از ۱/۴ میلیون نفر تبعه افغان و صد هزار عراقی در کشور ساکن بوده‌اند که در پایان سال این تعداد به یک میلیون افغانی و پنجاه و شش هزار عراقی کاهش یافته است.

لازم به ذکر است بر اساس ماده ۴۸ قانون برنامه سوم، وزارت کشور موظف بوده که حداکثر در سال اول برنامه تربیتی اتخاذ نماید که کلیه افراد خارجی فاقد پروانه کار، جمع‌آوری شده و به کشورهای متبوع خود انتقال یابند. در این ماده قید گردیده بود که آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه و کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد.

همچنین مسئله اعزام نیروی کار ایرانی به خارج از کشور در قالب ماده ۵۳ قانون برنامه سوم دیده شده است. در این خصوص اگر چه انعقاد یادداشت تفاهم و پروژه همکاری با برخی کشورها صورت گرفته و نیز برنامه همکاری مشترک با سازمان بین‌المللی کار تدوین گردیده است، ولی در کل از نظر عملکرد پیشرفت چندان قابل توجهی نداشته است. عمده‌ترین دلایل عدم ثمربخشی مطلوب این ماده را می‌توان عدم شفافیت در چگونگی رویکردهای تعاملی و رابطه با کشورهای جهان، عدم سرعت انتخاب و انتصاب وابستگان کار در کشورهای هدف و مهاجرپذیر، محدود بودن پذیرش نیروی کار از سوی کشورهای پذیرنده و ... داشت.

سیاستهای فعال بازار کار را عمدتاً می‌توان در قالب تسهیلات اشتغال‌زایی از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات تکلیفی و ماده ۵۶ قانون برنامه سوم مورد بررسی قرارداد.

۱- تسهیلات اشتغال‌زایی در قالب وجوه اداره شده

اعتبارات وجوه اداره شده در بخش‌های مختلف تولیدی از ابتدای برنامه سوم و به موجب ماده ۵۴ این قانون، در قانون‌های بودجه سنواتی در تبصره‌های مختلف (تبصره ۳، ۱۱، ۲۹ و ...) پیش‌بینی گردیده است. این اعتبارات به طور عمده برای اجرای فعالیت‌های اشتغال‌زایی یا توسعه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخش‌های مختلف خصوصی و تعاونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بخشی از این

اعتبارات در ردیف متمرکز ۵۰۳۶۱۰ قانون بودجه با عنوان وجوه اداره شده برای اجرای طرحهای تولیدی، اعطای تسهیلات به طرحها و فعالیتهای اشتغالزا اختصاص یافته و به دو صورت ملی و استانی می‌باشد. آن بخش از این تسهیلات که در پیوند با اجرای طرحهای ملی می‌باشد پس از مطرح گردیدن در کمیسیون تخصصی شورای عالی به این شورا ارائه شده و پس از تصویب از محل اعتبارات مربوطه به وسیله بخشهای خصوصی و تعاونی عملیاتی می‌گردد. بخش دیگر از این نوع تسهیلات که به طرحهای استانی اختصاص دارد، با توجه به پتانسیلها و موقعیتهای استان به آنها واگذار می‌شود.

۲- تسهیلات تکلیفی

یکی از قدیمی ترین سازوکارهای حمایت از طرحهای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی تسهیلات تکلیفی می‌باشد. این تسهیلات از سالهای پیش از برنامه سوم ذیل تبصره‌های (۳) و سایر تبصره‌های قانون بودجه سالانه به اجرا درمی‌آید. در سالهای برنامه سوم تنها در قالب تبصره (۳) قانون بودجه مطرح گردید. همچنین براساس بند (الف) ماده ۸۴ قانون برنامه سوم مقرر گردید افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی در سالهای برنامه سوم به‌طور متوسط سالانه ۱۰ درصد نسبت به ارقام مصوب ۱۳۷۸ کاهش یابد. میزان افزایش سقف مانده تسهیلات بانکی در سالهای ۸۳-۱۳۷۹ به ترتیب ۵۴۰۰، ۴۸۰۰، ۴۲۰۰، ۳۶۰۰ و ۳۰۰۰ میلیارد ریال بوده است. این تسهیلات برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اشتغال‌زایی، توسعه فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بخشهای خصوصی، تعاونی و دولتی، ذیل تبصره (۳) قانون بودجه سالهای مذکور پیش‌بینی گردیده است.

جدول شماره (۷): عملکرد وجوه اداره شده اشتغالزایی

سالهای ۸۱-۱۳۸۰ تا پایان اسفند ماه ۱۳۸۳

فرصتهای شغلی ایجادشده (هزار نفر)	اقساط وصولی (میلیارد ریال)	تسهیلات پرداختی (میلیارد ریال)	ارزش طرحهای مصوب (میلیارد ریال)	وجوه واریز شده به حساب بانکها	
۲۷۴.۲	۸۳۹.۵	۱۲۰۲۹.۸	۱۶۲۷۴.۸	۱۰۴۱۸.۹	کل کشور
۲۳۲.۲	۵۷۹.۸	۹۳۸۴.۲	۱۲۷۵۸.۹	۸۳۱۵.۸	طرحهای استانی
۴۲.۰	۲۵۹.۷	۲۶۴۵.۶	۳۵۱۵.۹	۲۱۵۳.۱	طرحهای ملی

ماخذ: گزارش عملکرد وجوه اداره شده تا پایان اسفند ماه ۱۳۸۳، مدیریت کل اعتباری بانک مرکزی

سهم بخش دولتی از تسهیلات تکلیفی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ برابر ۳۰ درصد و در سالهای ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ برابر ۲۵ درصد و سهم بخشهای خصوصی و تعاونی به ترتیب ۷۰ درصد (برای سالهای ۸۰-۱۳۷۹) و ۷۵ درصد (برای سالهای ۸۳-۱۳۸۱) می باشد.

شایان ذکر است مطابق بند (پ) تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۳ کل کشور مقرر گردید حداقل ۶۵ درصد از سهم بخشهای تعاونی و خصوصی برای اعطای تسهیلات با اهداف اشتغالزایی در مناطق توسعه نیافته براساس شاخص هایی که با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تایید شورای عالی اشتغال به تصویب هیات وزیران خواهد رسید بین استانها توزیع شود تا از طریق بانکهای عامل در اختیار متقاضیان قرار گیرد. همچنین براساس بند مذکور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف گردید مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال تسهیلات موضوع این تبصره را از طریق دفتر «همکاری های فن آوری ریاست جمهوری» به منظور ایجاد اشتغال مولد جهت متخصصین فارغ التحصیل ممتاز دانشگاهها و جلوگیری از فرار مغزها اختصاص دهد.

بررسی ارقام مصوب تسهیلات تکلیفی در سال ۱۳۸۳ نشان می دهد از ۳۰۰۰ میلیارد ریال سقف تسهیلات مزبور در این سال، ۱۶۷۰ میلیارد ریال آن جهت اعطای

تسهیلات با اهداف اشتغال‌زایی در نظر گرفته شده است.

۳- ماده ۵۶ قانون برنامه سوم

به موجب ماده ۵۶ قانون برنامه سوم، نظام بانکی کشور موظف شد در طول سالهای برنامه سوم به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام نماید که همواره پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز که حداکثر از ۲۰ درصد آن تجاوز نمی‌کند، حداقل ۷۰ درصد بقیه را به صورت وام برای ابزار کار در اختیار کسانی قرار دهد که برای کار کردن امکان تهیه وسایل کار خود را ندارند. این وام در ابتدا به میزان ده میلیون ریال در اختیار اشخاص حقیقی قرار گرفت، لیکن سپس براساس قانون اصلاح ماده ۵۶ قانون برنامه سوم، از ابتدای آذرماه ۱۳۸۰ مبلغ آن به سی میلیون ریال افزایش یافت و ضمناً مقرر گردید علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی غیردولتی نیز از این تسهیلات استفاده نمایند.

در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تسهیلات پرداختی ماده ۵۶ قانون برنامه سوم در قالب آیین‌نامه اجرایی این ماده به صورت وام خود اشتغالی پرداخت می‌گردید اما از سال ۱۳۸۱ با اصلاح آیین‌نامه مذکور، پرداخت این وام متوقف گردید و تنها کارفرمایان مجاز به استفاده از این تسهیلات شدند.

در طی سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ با توجه به اصلاحات انجام شده در آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی ماده ۵۶ و نهایتاً تصویب دستورالعمل جدید در اواخر سال ۱۳۸۲ توسط شورای پول و اعتبار از یکسو و تغییر در فرآیند اجرای اعطای تسهیلات مزبور براساس سیستم مکانیزه پیشنهادی صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی از سوی دیگر موجب گردید که این ماده طی سالهای ۸۳-۱۳۸۲ عملکرد قابل توجهی نداشته باشد. منابع در نظر گرفته شده درخصوص تسهیلات موضوع این ماده در سالهای ۱۳۸۲ و

۱۳۸۳ به ترتیب ۳۰۰۰ و ۳۳۰۰ میلیارد ریال می‌باشد. در مجموع مانده تسهیلات اعطایی در قالب ماده ۵۶ قانون برنامه سوم در پایان اسفند سال ۱۳۸۳ به رقم ۱۵۴۱۳/۱ میلیارد ریال رسید. از این مبلغ افزایش در مانده سال ۱۳۸۳ در مقایسه با پایان سال ۱۳۸۲ معادل ۳۹۷۴/۹ میلیارد ریال بوده است.

مهمترین هدفهای برنامه چهارم توسعه در خصوص اشتغال

برنامه چهارم در شرایطی تدوین گردیده که عدم تعادلهایی در برخی حوزه‌های بازارکار دیده می‌شد، از جمله بالا بودن نرخ بیکاری جوانان و زنان نسبت به بیکاری کل کشور، افزایش قابل توجه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار، افزایش دامنه تغییرات نرخ بیکاری در استانهای کشور و وجود عدم تعادل‌های منطقه‌ای در بازار کار. در کنار موارد پیش‌گفته وجود برخی نارسایی‌ها در زمینه سیاستهای حمایتی نیز وجود داشته و دارد. از آنجا که نرخ مشارکت نیروی کار به دلایل مختلف نظیر افزایش سطح تحصیلات زنان، پایین بودن قدرت خرید خانوار و لزوم مشارکت بیشتر اعضای خانوار در تامین هزینه‌های زندگی، بالا رفتن سن ازدواج و روندی رو به افزایش داشته، در برنامه چهارم پیش‌بینی گردیده است که نرخ مشارکت زنان به ۱۵/۸ درصد در پایان برنامه افزایش یابد. شایان ذکر است براساس برآوردهای سازمان مدیریت نرخ مشارکت زنان و مردان در سال ۱۳۸۳ به ترتیب برابر ۱۲/۹ و ۶۴/۴ درصد می‌باشد که در سال پایانی برنامه چهارم به ۱۵/۸ و ۶۹/۶ درصد افزایش خواهد یافت که به ترتیب از متوسط رشد سالانه‌ای برابر ۴/۱ و ۱/۶ درصد برخوردار می‌باشد. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد با توجه به افزایش نرخ مشارکت زنان (به واسطه افزایش سطح تسهیلات، افزایش سن ازدواج، ارتقاء سطح استاندارد زندگی و نیاز به افزایش درآمد خانوار و تحولات اجتماعی و فرهنگی)، در برنامه چهارم پیش‌بینی افزایش رشد نرخ مشارکت زنان در مقایسه با

مردان دیده شده است و لذا در تدوین برنامه‌های مختلف اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌باید توجه ویژه به لزوم افزایش مشارکت زنان در بازار کار صورت گیرد تا اهداف برنامه در این زمینه تحقق یابد.

به‌طور کلی مهمترین اهداف کمی درخصوص اشتغال در برنامه چهارم را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- متوسط سالانه افزایش عرضه نیروی کار حدود ۸۰۰ هزار نفر
- افزایش نرخ مشارکت به ۴۳ درصد در پایان برنامه (نرخ مشارکت ۶۹/۶ و ۱۵/۸ درصد برای مردان و زنان در پایان برنامه)
- کاهش نرخ بیکاری کل کشور به ۸/۴ درصد در پایان برنامه
- کاهش نرخ بیکاری زنان به ۸/۵ درصد در پایان برنامه
- افزایش سهم اشتغال زنان در کل شاغلان به ۱۸/۲ درصد در پایان برنامه
- کاهش نرخ بیکاری جوانان به ۸/۴ درصد در پایان برنامه چهارم
- کاهش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به ۸/۴ درصد در پایان برنامه
- افزایش سهم شاغلان دارای تحصیلات عالی از کل شاغلان به ۱۷/۸ درصد در پایان برنامه
- کاهش نرخ بیکاری مناطق روستایی به ۸/۴ درصد در پایان برنامه
- افزایش بهره‌وری نیروی کار با رشد متوسط سالانه ۳/۵ درصد

پیشنهادهایی در جهت رفع یا تعدیل چالش‌های بازارکار

چالشهای بازار کار ایران در ابعاد عرضه و تقاضای نیروی کار و عوامل موثر بر آن قابل بحث و بررسی است. فزونی عرضه نیروی کار بر تقاضای آن و تعمیق شکاف موجود، وجود مشکلات ساختاری از بعد عرضه در اقتصاد، عدم عملکرد بهینه قیمت‌های

نسبی، وابستگی تولید، سرمایه گذاری و متعاقباً تقاضای نیروی کار به بازار مصرف داخلی، وجود نارسایی‌هایی در برخی قوانین مرتبط با بازار کار و... از جمله چالشهای بازار کار محسوب می‌گردد. به‌طور کلی از مهمترین اقدامات در جهت کاهش بیکاری در جامعه می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- ۱- اصلاح سیاستهای اقتصادی کشور با محور قرار دادن مساله بیکاری و ابعاد آن در کشور در جهت افزایش تقاضای کل (شامل تقاضای داخلی و تقاضای خارجی) به منظور کمک به حل مشکل بیکاری توصیه می‌گردد. بدین منظور تاکید بر اصلاحات ساختاری در اقتصاد بویژه در پیوند با سرمایه‌گذاری و تولید از جمله توجه کافی به بازار سرمایه، اصلاح ساختار مالیاتی، رشد صادرات و رفع موانع توسعه آن، استفاده کامل از ظرفیت‌های تولیدی و .. ضرورت می‌یابد. همچنین ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و بهبود تعامل با سایر کشورها می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موثر باشد.
- ۲- مجموعه قانون‌های ناظر بر روابط کار و تولید (از جمله قانون کار، بیمه بیکاری و ...) که بویژه بر بخش رسمی و مدرن اقتصاد کشور موثر است، باید به منظور ایجاد سازگاری با اهداف توسعه مورد بررسی و بازنگری همه جانبه قرار گیرد و اصلاحات لازم در آن در جهت کاهش هزینه مبادله و افزایش کارایی بازار کار انجام شود.
- ۳- تسریع و شتاب بیشتر در اجرای طرحها، بویژه اتمام طرحهای نیمه تمام.
- ۴- اولویت دادن به اجرای طرحهای اشتغال‌زا که توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود. اولویت مزبور باید به طرحهایی داده شود که به سرمایه کمتر نیاز داشته و در زمان کوتاهتری به بهره برداری می‌رسد.
- ۵- ادامه اجرای سیاستهای کنترل و تثبیت جمعیت و تسریع در اجرای سیاستهای معطوف به توسعه مناطق توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته جهت جلوگیری از مهاجرت نیروی کار فعال به شهرهای بزرگ.

۶- اصلاح نگرش و انتظارات جویندگان کار از طریق اتخاذ تمهیداتی برای کاهش نابرابری ارزشی موجود بین مشاغل، نقش ها و موقعیت های مختلف اجتماعی، برای اصلاح انتظارات جویندگان کار و نقش رفتاری آنها در بازار کار موثر است. بویژه آموزش نوجوانان و جوانان در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. همچنین ارائه اطلاعات بازار کار (شاخصهای کلیدی بازار کار) به جویندگان کار بسیار اساسی است.

۷- ایجاد پایگاه اطلاعاتی مناسب در جهت شناخت ابعاد و ساختار بیکاری کشور برای آگاهی از تغییرات به عمل آمده و پیش بینی وضعیت در آینده از مهمترین اقدامات برای ساماندهی بازار کار است. این مهم باید توسط مراکز خدمات اشتغال وزارت کار با همکاری سازمانهایی نظیر سازمان تامین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی که حمایت از بیکاران را برعهده دارند، انجام شود. اصلاح دیدگاه حاکم بر وزارت کار و امور اجتماعی، که در حال حاضر فقط مبتنی بر حمایت از شاغلان است، همچنین بازنگری وظایف این وزارتخانه (بویژه تعریف حد و مرز آن با وظایف شوراها و اتحادیه های کارگری و صنفی) ضروری است. وزارت کار و امور اجتماعی به عنوان دستگاه اجرایی مسئول در زمینه اشتغال و بیکاری باید به ایجاد پایگاه اطلاعاتی بازار کار و مشاغل، طراحی و اجرای طرحهای فعال بازار کار و ارزیابی مستمر پیشرفت بیکاران در یافتن شغل از طریق مراکز خدمات اشتغال، متعهد باشد.

۸- اجرای سیاستهای فعال بازار کار برای مقابله با بیکاری در چارچوب طرحهای فعال توصیه می شود. نمونه هایی از این طرحها، که لازم است با همکاری سازمان های حمایت کننده از بیکاران به اجرا درآید، عبارت است از: آموزش به گروههای هدف از جامعه بیکاران با اهداف مشخص، دادن یارانه به کارفرمایان موجود که فرصتهای جدید شغلی ایجاد می کنند، توجه به خود اشتغالی افراد واجد صلاحیت بویژه دانش

آموختگان آموزش عالی و کارآفرینان، و مهمتر از همه تقویت ساز و کار جستجوی شغل و پیگیری وضعیت بیکاران حتی پس از یافتن شغل، به منظور اصلاح طرح های فعال.

۹- اجرای سیاستهای تنظیم بازار کار برای ایجاد تعادل در بازار کار ایران از قبیل: ایجاد انعطاف پذیری در زمان کار با به رسمیت شناختن و به مورد اجرا درآوردن کار موقت و کار نیمه وقت و ایجاد نهادهای لازم برای هدایت بیکاران به سمت اینگونه مشاغل، ایجاد انعطاف پذیری در مزد از طریق ایجاد ارتباط بین مزد و حقوق با بهره‌وری نیروی کار.

۱۰- شکل دادن به بخش دانش در گروههای مختلف فعالیت از جمله مهمترین راهبردهای بازار کار است که موجب کاهش تمرکز تخصصی و مهارتی شاغلان و افزایش اشتغال نیروی متخصص می‌شود. حمایت از تغییرات سازمانی و اصلاح قوانین و مقررات در جهت سازگاری آنها با توسعه علم و فن‌آوری از راهکارهای اساسی در این زمینه است.

۱۱- گسترش امر تحقیق و توسعه کیفیت در فعالیتهای اقتصادی، در جهت استفاده از فن‌آوری پیشرفته در تولید و به منظور فراهم کردن شرایط حضور در بازارهای جهانی و افزایش تقاضای خارجی برای محصولات و خدمات کشور، اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. زیرا در صورت عدم توجه به این مهم، با توجه به گسترش علاقه مندی مصرف کنندگان به مصرف محصولات تولید شده با فن‌آوری پیشرفته، تقاضای داخلی نیز به تدریج از مصرف محصولات داخلی به سمت محصولات خارجی منحرف شده و با از دست رفتن مشتریان محصولات داخلی (کاهش تقاضا)، تولید این محصولات نیز کاهش یافته و نهایتاً معضل بازار کار نیروی متخصص تشدید خواهد شد. توجه به تولید این دسته از محصولات و ارائه خدمات قابل عرضه به بازار جهانی، به عنوان شرط اولیه

برای گسترش تجارت خارجی و افزایش تقاضای موثر برای متخصصان آموزش عالی توصیه می‌شود.

۱۲- برای افزایش بهره‌وری نیروی کار راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد ارتباط بین نظام آموزشی و بازار کار
- بالا بردن سطح کیفی نیروی کار بوسیله آموزش‌های دانشگاهی، آموزش ضمن کار، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و افزایش سهم شاغلان متخصص
- کاهش عدم انطباق بین شغل و مهارت نیروی کار
- ایجاد انعطاف‌پذیری در قانون کار
- تسریع در تعدیل نیروی انسانی مازاد فعالیت‌های دولتی و جایگزینی نیروی انسانی متخصص
- به روز کردن دانش مدیران و اصلاح شیوه انتصاب و ارزیابی آنها
- آشنا کردن مدیران به ضرورت افزایش بهره‌وری
- پرهیز از تعیین دستوری دستمزدها و ایجاد ارتباط بین دستمزدها و بهره‌وری در جهت افزایش انگیزه نیروی کار در انجام کار مفیدتر، بیشتر و استفاده بهینه از امکانات سرمایه‌ای

منابع

- ۱- آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار - مرکز آمار ایران در سالهای مختلف.
- ۲- عملکرد مراکز خدمات اشتغال و کارپایی‌های غیردولتی در شش ماهه اول سال ۱۳۸۳- وزارت کار و امور اجتماعی.
- ۳- تحولات بازار کار در برنامه چهارم توسعه با تأکید بر اشتغال زنان، جوانان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهها مناطق شهری و روستایی - دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور- مرداد ۱۳۸۳.





پښتونستان ګاونډي او مطالعاتي علوم
پرتال جامع علوم انساني